



ارزشهای اصیل خود همانند گذشته پایبند مانده است و عاملی مهم در کنترل بی‌بند و باری و زیاده‌خواهی اقتصاد آزاد است. از همین‌رو است که پس از سالیان مستماری هنوز هم نظام اقتصاد سرمایه‌داری در سطوح ملی و بین‌المللی از رقابت خصوصیت‌آمیز با اقتصاد تعاونی دست برداشته است. رقابتی که عمر آن به قدمت پیدایش اقتصاد نوین تعاونی است.

اقتصاد تعاونی در بافت و ساختار این رقابت پیچیده در مقایسه با رقابتی خود که انحصارطلبی و تکاثر را در ابعاد ملی و بین‌المللی در سر می‌پروراند و در پی کسب جایگاهی ممتاز، بی‌همتا، گسترده و مستحکم‌تر از گذشته در عرصه اقتصاد جهانی می‌باشد، نه تنها به فلسفه اصیل خود (که عدالت اقتصاد را هدف قرار داده است) وفادار مانده است، بلکه در روند تأمین نیازهای زندگی مردم از اصول دموکراسی اقتصادی، سرمایه‌گذاری داوطلبانه، همبستگی اجتماعی، برخورداری نمودن برابر مردم از میناء و... را شعار خود قرار داده است و به دنبال جستجوی مکان و موقعیتی است که به نحو فزاینده‌تری اقتصاد را در خدمت توسعه و تعالی صفات انسانی گروه‌های اجتماعی درآورد. گفتنی است در این راه نیز به موفقیت‌هایی نیز نایل شده است.

قدمت اقتصاد تعاونی به عنوان یک رویکرد اقتصاد بسیار طولانی است. عموم اندیشمندان معتقدند از هنگامی که انسان به زندگی اجتماعی روی آورده است برای حیات، بقاء و تکامل خود همواره از "تعاون" یاری گرفته است. از همین‌رو، تعاون رویکردی است که همه مکاتب اقتصادی و اجتماعی و به ویژه دین مبین اسلام برای آن ارزش فراوانی قایل شده است. اما، از سال ۱۸۴۴ میلادی با همت پیشگامان راجدیل اقتصاد نوین تعاونی بنیان گذاشته شد که به زودی در سراسر دنیا گسترش یافت. این هم‌گیری و گسترش فزاینده اقتصاد تعاونی در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی نشان از آن دارد که

اقتصاد تعاونی:

ارزشها و پیوستگیهای آن

با توسعه ملی

○ مهندس محمدرضا عباسی

مقدمه

در حال حاضر از یک سو، رقابت کشورهای صنعتی برای تسلط در بازار و اقتصاد جهانی و از سوی دیگر، تلاش بی‌سابقه کشورهای در حال توسعه برای جبران عقب‌ماندگیهای گذشته خویش، شرایطی را فراهم ساخته است که همه کشورهای جهان در حیطه اقتصاد، در رقابتی تنگاتنگ با یکدیگر به سر می‌برند. رقابتی که متأسفانه در غالب اوقات اهداف اساسی توسعه اقتصادی جوامع در حال توسعه قربانی زیادتطلبی کشورهای

صنعتی می‌شود.

این شرایط پیچیده نوین اقتصاد جهانی که در بیشتر کشورها با ساختار گسسته و ناهماهنگ اجتماعی توأم شده است، دنیای اقتصاد را به نحوی مهیا کرده است که مناسبات اقتصادی هم‌پیوستگی کاملی با رقابت‌های خودخواهانه، غرض‌آلود و برتری‌طلبانه پیدا کند و کشورهای در حال توسعه در مقابل کشورهای صنعتی آسیب‌پذیرتر از پیش شوند.

این در حالی است که برخلاف اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری، اقتصاد تعاونی به

عمده مردم دنیا و ارزشهای آن را باور کرده‌اند. طبیعتاً هرچه اقتصاد تعاونی در یک جامعه از گسترده و وسیعتر و اهمیت بیشتری برخوردار باشد، نشان‌دهنده آن است که ارزشهای این نظام اقتصادی برای مردم آن جامعه ملموس‌تر و عینی‌تر بوده است. با این وجود، نیل به اهداف و توسعه اقتصاد تعاونی هنگامی رنگ واقعی تحقق را به خود خواهد گرفت که

سیاستها و راهبردهای توسعه‌گرایانه‌ای تنظیم و عملاً به اجرا گذاشته شود.

اقتصاد تعاونی دارای ارزشهای بی‌بدیل و ممتازی است. ارزش‌هایی که عمدتاً منبعث از فلسفه این مکتب اقتصادی - اجتماعی است. از مهمترین کلید واژگان آن نیز می‌توان "مردم‌محوری"، "مردم‌گرایی"، "دموکراسی"، "مشارکت"، "هم‌فکری"، "همراهی"، "هم‌پیمانی"، "هم‌پاری" و... نام برد.

در هر جامعه مقبولیت عمومی از اقتصاد تعاونی در چگونگی و میزان گرایش مردم برای پیوستن به تعاونیها و عملکرد محسوس آنان در بهره‌برداری از خدمات شرکت‌های تعاونی مستلزم می‌گردد. براساس نشانه‌های عینی میزان تمایل مردم برای قبول عضویت در تعاونیها و علاقه‌مندی آنان به استفاده از خدمات تعاونی، می‌توان سه گزینه اصلی را در باب اهمیت و ارزش اقتصاد تعاونی از دیدگاه "مردم" پیش‌بینی نمود:

گزینه اول - ارزش استفاده واقعی Use Value Actual: می‌توان پیش‌بینی کرد که در هر جامعه در نزد گروهی از مردم، ارزش اقتصادی کاملاً شناخته شده است و از این رو به آن گرایش شدید و مثبت نشان می‌دهند. نشانه عینی آن نیز در بهره‌برداری عملي این گروه از مردم از اقتصاد تعاونی و خدمات آن برای تأمین نیازهای زندگی جلوه‌گر می‌شود. در واقع، آنان اقتصاد تعاونی را نخستین و مناسبترین منبع و مأخذ اقتصادی انتخاب کرده‌اند و به این

شکل برای تعاونیها و استفاده از خدمات آنها، ارزش اقتصادی خاص قایل شده‌اند. اکثر قریب به اتفاق اعضای کنونی شرکتهای تعاونی در این گروه جای دارند. **گزینه دوم - ارزش میل و اختیار Option**

به یاری مشارکت داوطلبانه و سرمایه‌گذاری (هرچند اندک) مردم، می‌توان بهای گران توسعه اقتصادی را از طریق اقتصاد تعاونی تا حدود زیادی ارزان نموده و تأمین ساخت. از همین رو است که فقدان اقتصاد تعاونی، آسیبهای جدی را به کیفیت توسعه ملی وارد کرده و سرعت آن را کند خواهد ساخت

Value: می‌توان گروهی از مردم را در یک جامعه یافت که از ارزش و مزایای اقتصاد تعاونی مطلع و آگاه هستند و از این رو به شرکتهای تعاونی تمایل نشان می‌دهند و حامی و مدافع آن می‌باشند. اما، با این حال به هر دلیلی که تصور شود، این گروه از مردم عملاً از تعاونیها در فرایند چرخه اقتصادی زندگی خویش استفاده جدی (هم‌اندک گروه اول) به عمل نمی‌آورند. یعنی هم‌اکنون به دلایل مختلف (که فراهم نبودن امکانات و شرایط برای عضویت و یا در دسترس نبودن تعاونی مورد نظر برای عضو شدن می‌تواند از جمله عوامل در کت، وره‌ای در حال توسعه باشد)، عضو تعاونیها نیستند. اما، این امید را دارند که در آینده به عضویت شرکتهای تعاونی درآیند. آنان در مناسبات اقتصادی زندگی، شرکتهای تعاونی را ترجیح می‌دهند و در روابط و محاورات اجتماعی، روزمره خویش از تعاون و زندگی تعاونی به عنوان یک "ارزش" یاد می‌کنند.

گزینه سوم - ارزش وجودی Existance Value: در هر جامعه گروهی از مردم یافت می‌شوند که به اقتصاد تعاونی اصالت داده و از دیدگاه آنان این اصالت توأم با ارزش والایی است. در واقع، اساس این باور مبتنی بر سودمندی و ارزنده بودن خدمات اقتصاد تعاونی برای مردم و جامعه است. یا این وجود، این گروه از مردم نه در حال و نه در آینده تمایلی به استفاده از تعاونیها ندارند. به طور مثال، گروهی از مردم طبقه مرفه و ثروتمند یک جامعه برای تعاونیها ارزش قایل می‌شوند ولی به دلایل مختلف (مانند

احساس بی‌نیازی) به عضویت تعاونیها در نمی‌آیند. زیرا، لزومی به استفاده از خدمات تعاونیها را احساس نمی‌کنند.

ارزشهای اقتصاد تعاونی

شرکتهای تعاونی، اصلی‌ترین اهرمهای اجرایی و عملیاتی اقتصاد تعاونی به شمار می‌آیند که بر پسیایه اصول، فلسفه و قواعد این نظام

اقتصادی، خدمات خود را به مردم ارائه می‌دهند. این تعاونیها، اگرچه از نظر نوع فعالیت و گسترده خدمات اقتصادی که به ارباب رجوع خود عرضه می‌کنند، متفاوت و گوناگونند، اما، در جنبه اهداف و اصول و قواعد حاکم بر آنها، مشابه و هم‌سو هستند. یکی از وجوه مشابه و مشترک تعاونیها ارزشهای اقتصادی و اجتماعی آنها می‌باشد. عموم شرکتهای تعاونی در فرایند فعالیتهای خود، دو ارزش محوری زیر را به جامعه اعطاء می‌کنند. ارزشهایی که نشأت گرفته از روح و کالبد اقتصاد تعاونی است:

الف - ارزشهای اقتصادی: از این جنبه، شرکتهای تعاونی خدمات اقتصادی مطلوبی را به مردم عرضه می‌کنند که صرفاً محدود به "حصار اقتصاد" نیستند، این خدمات در واقع به انواعی از صفتها و ارزشها متصف هستند که آنها را از دنیای اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری متمایز می‌سازد.

ارزش خدمات اقتصادی شرکتهای تعاونی در مناسبت، ارزان و کیفی بودن آن است. همه شهروندان متقاضی یک جامعه، به دور از تبعیض، برتری‌طلبی، سوداگری، دلال‌سازی، گسران‌فروشی، کم‌فروشی و هرگونه آلودگیهای اقتصادی به این خدمات دسترسی دارند یعنی هدف از ارائه خدمات صرفاً تحصیل سود و منفعت نیست، بلکه حل کردن مشکل و رفع مایحتاج و نیازهای مردم و ارباب رجوع، مقصد آغازین و پایانی تعاونیها می‌باشد. گفتنی است ارزش

اقتصاد تعاونی در ابعاد عرضه خدمات اقتصادی در یک چارچوب مردمی، سالم و توسعه‌ای با بهره‌وری مناسب از منابع مهم تبلور می‌یابد و این خدمات ارزشمند رهنمون اقبال عمومی از اقتصاد تعاونی به حساب می‌آید.

ب- ارزشهای اجتماعی، هریک از شرکتهای تعاونی بر پایه مشارکت، فعال و داوطلبانه گروهی از مردم که نیاز، هدف و آرمان مشترک دارند، تشکیل می‌شوند. از این‌رو، تعاونیها در واقع کانونهای اجتماعی پایدار و فعال و نیز مراکزی برای تضارب آراء و افکار، همکاری و همیاری از افراد جامعه هستند. آنان برای نیل به اهداف خود، اشتراک مساعی دارند و دیدهی است که برای این کار، به وحدت گروهی و اجتماعی نایل شده‌اند. به بیان دیگر، شرکتهای تعاونی از دریچه کانونهای اعطاءکننده برخی ارزشهای اجتماعی به مردم، فراهم‌ساز کانونهای پایدار اجتماعی، برخوردار از دموکراسی، مشارکتی، همیاری، خودیاری و هم‌اندیشی، محسوب می‌شوند.

با این وصف، ارزش اجتماعی نظام اقتصاد تعاونی آن است که فردگرایی و عزلت‌گزینی را از سیمای جامعه می‌زاید و آن را با رفتار آرمائی انسان یعنی جمع‌گرایی، اتحاد اجتماعی، عدالتخواهی و جایگزینی می‌سازد. ارزش اقتصاد تعاونی در این است که گسستگی‌های اجزای را به همپیوستگی‌های اجتماعی تبدیل می‌سازد. ارزش و صفتی که اقتصاد آزاد و سایر مکاتب اقتصادی فاقد آن بوده و گاهی نیز آگاهانه و ارادی از آن پرهیز می‌کنند و وقوع آن را غیرممکن می‌سازند تا سود و تحصیل منفعت مادی خود را به مذاطره نیندازند. بنابراین، می‌توان پی برد که در اقتصاد تعاونی، سرمایه انسانی مقدم و حاکم بر سرمایه مادی است و این یک ارزش بی‌بدیل محسوب می‌شود.

ارزشهای اقتصاد تعاونی و توسعه اقتصادی ملل

با توجه به مطالب بیان شده، یک بعد

ارزشی اقتصاد تعاونی، بعد اقتصادی آن است. متولیان و مسئولان اقتصاد هر جامعه، اگر برآنند عمل به وظایف و مسئولیت خود را جایگزین شعارپردازی نمایند و عزم آن دارند اقتصاد ملی جامعه خویش را به قله‌هایی رفیع توسعه هدایت کنند، می‌بایست راهبردها، سیاستها و خط‌مشی‌هایی را (که برگرفته از اصول و فلسفه تعاون باشد) تنظیم و به اجرا گذارند تا خدمات اقتصاد تعاونی بیش از گذشته به نحوی منطقی و واقعی در دسترس همه مردم قرار گیرد. در این صورت می‌توان امیدوار بود که حضور اقتصاد تعاونی در آن جامعه رنگ واقعی به خود گرفته و از آهنگی پویا و توسعه‌ای برخوردار شده است.

در واقع، دولت‌های مردمی می‌بایست سیاستها و راهبردهای اقتصادی را به نحوی تنظیم و تدوین کنند که اگر نه بیشتر بلکه هم عرض سایر بخشهای منابع و امکانات و نیز حماینها و پشتیبانی دولتی و عمومی مناسب و مؤثری را در اختیار بخش تعاونی قرار دهند. در صورت وقوع این امر، دور از انتظار خواهد بود که ارزشهای اقتصادی تعاونیها مزین به فلسفه اصل و تعاون شده و بالندگی خدمات اقتصادی ارزشمند آنها بر مردم نیز بارزتر و آشکارتر از پیش خواهد شد. ضمن آنکه دولت و قوانین زیربنا در آن جامعه، مردم‌گرایی خود را به اثبات رسانده و جامعه را به سوی توسعه پایدار و مردمی رهنمون خواهد ساخت.

این در حالی است که متأسفانه در برخی کشورها که کشورهای در حال توسعه از جمله آنها می‌باشند، آنطور که شایسته است به اقتصاد تعاونی و نیازهای آن توجه لازم و مساعد را مبذول نمی‌کنند. دلایل این امر نیز متعدد است. اما با کمی اغماض می‌توان دلایل اصلی این کم‌توجهی را عدم آگاد نمودن مردم از ارزشهای تعاونی، قسصور نمودن دولتمردان و رقابت خصومت‌آمیز سایر بخشها و مکاتب جستجو نمود.

شواهد حاضر حاکی از آن است، بر پایه

این که یک کشور در طیف توسعه‌یافتگی چه جایگاه و منزلتی را به خود اختصاص داده است، میزان برخوردارای مردم آن کشور از ارزشهای تعاونی متفاوت خواهد بود. هرچه کشور موردنظر از درجه توسعه‌یافتگی بالاتری برخوردار باشد، یقیناً کیفیت و کمیت خدمات اقتصاد تعاونی در آن کشور نیز واقعی‌تر خواهد بود. به همین دلیل در این جوامع، اقتصاد تعاونی موفق خواهد شد، نقش مؤثرتری را در فرایند توسعه ایفاء کند و مردم آن نیز ارزشهای خدمات اقتصاد تعاونی را به نحوی مطلوب و عینی درک کنند.

به علاوه، نقش شرکتهای تعاونی نیز در ارائه خدمات اقتصادی مناسب و مطلوب که ملاً نشانگر میزان دخالت مؤثر آنها در تحقق توسعه اقتصادی جامعه خواهند بود، عموماً یکسان نیست. به دیگر سخن، درجه توسعه‌یافتگی هر شرکت تعاونی که از فلسفه تعاون و پایبندی به اصول و قواعد اقتصادی تعاونی منبعت می‌شود، مشخص‌کننده میزان تأثیر و مشارکت آن در توسعه اقتصادی جامعه و نشان‌دهنده درجه ارزش خدمات آن تعاونی برای مردم می‌باشد.

اگر در یک جامعه به اقتصاد ملی به مثابه یک سیستم جامع نگریسته شود؛ یعنی اقتصاد ملی به مثابه یک سیستم (کل) که خود متشکل از سه خرده سیستم اصلی (تعاونی، خصوصی و دولتی) است، در نظر گرفته شود، این سه خرده سیستم برهم تأثیرگذار و از هم تأثیر خواهند برد.

اقتصاد تعاونی نیز به عنوان یک خرده سیستم اصلی نقش مهم و مؤثری در جامعیت بخشیدن به نظام اقتصادی و توسعه آن خواهد داشت. خصوصاً اگر شرکتهای تعاونی به رسالت خود که همانا به منزله مراکز اقتصادی مطمئنی برای تأمین نیازهای اقتصادی توده‌های مردم عمل کنند و این نیازها را با شیوه‌های مناسب، ارزان و کیفی در دسترس همه قرار دهند؛ اقتصاد تعاونی نقش ارزنده خود را در توسعه اقتصاد ملی ایفا خواهد کرد.

با این اوصاف، به یاری مشارکت

داوطلبانه و سرمایه‌گذاری (هرچند اندک) مردم، می‌توان بهای گران توسعه اقتصادی را از طریق اقتصاد تعاونی تا حدود زیادی ارزان نموده و تأمین ساخت. از همین رو است که فقدان اقتصاد تعاونی، آسیبهای جدی را به کیفیت توسعه ملی وارد کرده و سرعت آن را کند خواهد ساخت و نیز نقش تعاونیها در توسعه اقتصاد ملی در مراحل مختلف رشد اقتصاد (کم یا زیاد) برای توسعه‌گبران کشورهای جهان هویدا و آشکار خواهد شد.

یکی دیگر از ارزشهای اقتصاد تعاونی و نقش مؤثری که در توسعه ملی هر کشور ایفا خواهد کرد، ممانعت جدی آن از حاکم شدن بی‌تفاوتی و کاهش حساسیت مردم در ابعاد نظری و عملی نسبت به روند اقتصادی زندگی خود و جامعه خویش است. اقتصاد تعاونی عامل گسترش و تقویت توجه و مشارکت مردم در فرایند توسعه اقتصاد جمعی می‌باشد. این در حالی است که مشارکت یک فرایند طولانی مدت است که توجه مداوم به آن، به تدریج جمعیت فعال کشور را وارد عرصه‌های اقتصادی خواهد کرد. اصلی‌ترین وجه مشارکت در اقتصاد تعاونی، تأمین خدمات اقتصادی انسانهای مشارکت‌کننده از سوی خود آنان است که نمی‌توان ارزش بی‌بدیل آن را انکار نمود.

یک ارزش مهم اقتصاد تعاونی، سالم‌سازی و بهسازی محیط اقتصادی جامعه است. تعاونیها به موجب بهره‌گیری از مدیریت مشارکتی و اصل خودیاری، کانونهای اقتصاد مردمی هستند که یک جریان بالنده اقتصاد سالم را تشکیل داده‌اند. جریانی که مبارزه و پیشگیری از آلودگیهای اقتصادی را (مانند احتکار، گرانفروشی، تورم، واسطه‌گری، دلال‌بازی و...) در دستور کار خود قرار داده و به مثابه یک فلسفه و هدف بنیادی موردنظر دارند. از همین رو، اقتصاد تعاونی قادر است نشاط و آرامش خاصی را به جامعه بخشیده و مردم را به عنوان گروههای فعال اجتماعی در



فرایند توسعه اقتصادی سهم و درگیر سازد.

نتیجه

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان پی برد که در صورت داشتن سیاست، راهبرد و هدف روشن و نیز حمایت کافی، اقتصاد تعاونی نقش بسیار مؤثری در توسعه اقتصاد ملی خواهد داشت. در این راستا، گفتنی است که میزان و چگونگی اهمیت و ارزشی که مردم هر جامعه برای اقتصاد تعاونی قایل می‌شوند در اقبال عمومی و نگرش و تمایلات آنان نسبت به تعاونیها متبلور می‌شود.

فلسفه پیدایش اقتصاد تعاونی و گسترش وسیع آن در سراسر جهان بیشتر به کسب منافع آنی و آتی مردم از تعاونیها نیز برمی‌گردد. منافعی که حاصل از

استفاده بهینه و صادقانه از سرمایه و توزیع منصفانه آن در بین اعضاء و مردم است. این بدان معناست که هر شرکت تعاونی هنگامی دچار یک درام غم‌انگیز می‌شود که برخی نابسامانیها موجب کاهش بهره‌برداری بهینه و معقول از سرمایه و منابع اعضاء از سوی خود اعضا آن تعاونی شود. در واقع، این امر آسیبی جدی به ارزشهای تعاون و اقبال مردم از تعاونیها وارد می‌سازد و نقش اقتصاد تعاونی را در توسعه ملی زایل می‌سازد. به عبارت دیگر، هرچه شرکتهای تعاونی به اصول و فلسفه تعاونی پایبندی بیشتری داشته باشند و نیز هرچه خدمات اقتصاد تعاونی از کمیت و کیفیت مطلوبتر و مشارکت بیشتر اعضاء برخوردار باشد، در واقع موازنه ارزشگذاری تعاون از سوی

طبیعتاً هر چه اقتصاد تعاونی در یک جامعه از گستره وسیعتر و اهمیت بیشتری برخوردار باشد، نشان دهنده آن است که ارزشهای این نظام اقتصادی برای مردم آن جامعه ملموس تر و عینی تر بوده است. با این وجود، نیل به اهداف و توسعه اقتصاد تعاونی هنگامی رنگ واقعی تحقق را به خود خواهد گرفت که سیاستها و راهبردهای توسعه گرایانه‌ای تنظیم و عملاً به اجرا گذاشته شود.

مردم (سه‌گزینه ذکر شده در قبل) به سود اقتصاد تعاونی پیشرفت خواهد کرد.

نکته اساسی این است که ارزشمند شناختن خدمات اقتصاد تعاونی، رابطه مستقیم با نقش آن در توسعه اقتصادی دارد. یعنی هر چه در یک کشور مردم (به دلیل ارزش قابل شدن به خدمات تعاونیها) از اقتصاد تعاونی استقبال بیشتری به عمل آورند، یقیناً سهم این اقتصاد در توسعه ملی افزون‌تر خواهد شد. از سویی تیز اهداف اقتصاد تعاونی عمدتاً بر پایه حفظ تعادل اقتصادی، اعتدال بخشیدن به زندگی‌شان و استفاده معقول از منابع مردم توسط خود آنان پی‌ریزی شده است. به همین سبب، رشد اقتصادی کشور را با آهنگی شتابان به سر منزل مقصود هدایت خواهد کرد.

گرچه جامعه انسانی برای بقا و تأمین نیازهای مادی خود به "تولید" متکی است. اما، مناسبات و رویکردهای دیگر اقتصادی (مانند توزیع، بازاریابی، مصرف و...) از جمله مواردی است که زندگی انسان از آنها تأثیرپذیر می‌باشد. با توجه به این نکته، اقتصاد تعاونی در هر جامعه برای تحقق بخشیدن به اهداف خود (یعنی اعتدالی زندگی مردم) می‌بایست انواع شرکتهای تعاونی را (تولید، توزیع، مصرف) در همه ابعاد اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات) هم‌عرض و متوازن توسعه و گسترش دهد. به شیوه‌ای که تعاونیها هم بنیاد توسعه صنعت و هم بستر تولیدات کشاورزی و نیز شرایط مناسب توزیع و مصرف را فراهم سازند و از این طریق مردم و جامعه آرامش خود را با بهره‌گیری از تعاونیها تضمین یافته ببینند.

متأسفانه با وجود ارزشهای مشخص و مبرهن اقتصاد تعاونی و ارمانهای ارزشمند و مؤثری که تاکنون برای مردم و جوامع مختلف داشته است؛ هنوز هم در

برخی از کشورها، سهم بخش تعاونی در اقتصاد ملی تا شان واقعی آن فاصله زیادی دارد. در این کشورها، دولتهای ذریبط بنا به دلایل مختلف (موجه یا غیرموجه) از حمایت و پشتیبانی اقتصاد تعاونی غفلت ورزیده، تعاونیها را با تنگناهای اقتصادی و حمایتی مواجه می‌سازند و مردم را برای پیوستن به اقتصاد تعاونی مورد تشویق قرار نمی‌دهند. در این کشورها، سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم در تعاونیها و لاجرم نقش آنان در مؤسسه ملی مورد توجه جدی نخواهد بود. حال آنکه این دولتها برای توسعه اقتصادی، شعارهای پرطمطراقی سر می‌دهند. به هر حال دولتها و متولیان بخشهای اصلی اقتصاد ممالک مزبور برای حل این نقیصه باید چاره‌ای بیندیشند و معقولانه‌تر فکر کنند و واقعی‌تر نیز عمل نمایند.

در کشورهای مصرف، سیاستگذاران و متولیان بخشهای اقتصادی ممکن است



ابعاد و ارزشهای اقتصادی و اجتماعی تعاون را باور نکرده باشند و اعتقاد مثبت و موافقی به آن نداشته باشند. حتی، چنانچه باوری نسبتاً مناسب و موافق به این ارزشها داشته باشند، به دلیل عدم تنظیم راهبردها، سیاستها و قوانین مناسب و نیز ساختار منظم سازمانی و تشکیلاتی و... اقدامهای آنان غالباً در سطح شعار باقی می‌ماند. خصوصاً آنکه پژوهشهای لازم و مناسب در ابعاد مختلف نقش، الگو، روش، زمینه‌یابی و... اقتصاد تعاونی در این کشورها صورت نگرفته است. در نتیجه، ارمانها و ارزشهای اقتصاد تعاونی کاملاً واضح نبوده و پیامد آن نیز چیزی بیش از کم توجهی در قبال این بخش نخواهد بود.

بدیهی است چنانچه مطالعات کافی در این موارد صورت گیرد، زیانها و آسیبهای احتمالی اقتصادی - اجتماعی ناشی از فقدان یا ضعف و کمبود تعاونیها بر همه واضح و آشکار خواهد شد و این کمکی است که مسئولان بخش تعاون به ساماندهی اقتصاد تعاونی جامعه خود به عمل خواهند آورد. از آنجا که فلسفه و ذات تعاون مبتنی بر مردم‌گرایی است و مشارکت مردم به آن شکل و شمایل واقعی را می‌پوشاند، غفلت از ترویج فرهنگ تعاون به منظور تقویت و توسعه نگرش مردم برای پیوستن به این مکتب اقتصادی یکی دیگر از دلایلی است که استفاده از اقتصاد تعاونی را در سطحی محدود و غیرقابل تحمل نگه می‌دارد. بدیهی است چنانچه در کشورهای مبتلا به، آموزش و ترویج فرهنگ تعاون به نحوی گسترده و مؤثر ارائه شود، ایجاد و راه‌اندازی تعاونیها و نیز پیوستن مردم به این جریان اقتصادی تسهیل و تسریع خواهد شد و بر این باور گسترش و توسعه تعاونیها روندی شتابان به خود گرفته و دولتها به تعاون با دیدی واقع‌گرایانه‌تر و از روی انصاف نگاه خواهند کرد!